

گفته شده است که مرحوم شیخ انصاری به آنچه به ایشان نسبت داده شده است، ملتزم نشده است، برخی از بزرگان نیز به دفاع از شیخ برخاسته‌اند. ایشان می‌نویسد:

«و قد تنكر صحة نسبة هذا الالتزام إلى الشيخ باعتبار ما يقرره في مكاسبه في مبحث جواز التعليق في العقود من: ان الوجه في بطلان التعليق هو قيام الإجماع على عدم صحته، و بطلان العقد به، مما يظهر منه انه لو لا الإجماع لكان مقتضى القواعد صحة التعليق في العقد، مع ان هذا يتنافى مع الالتزام بعدم صحة تقييد مفاد الهيئة، لأن الإنشاء مدلول الهيئة أيضا فكيف يصح تعليقه و تقييده ثبوتا. و بالجملة: الالتزام بصحة نسبة الالتزام المذكور إلى الشيخ لازمه الالتزام بوقوع التهافت في كلماته، و هو مما يجعل عنه مثل الشيخ في مثل هذا المطلب الواضح. و الإنصاف: انه لا مناقضة بين الالتزام بعدم صحة رجوع القيد إلى الهيئة و الالتزام بصحة التعليق في العقود، و ذلك لأن ما يدور البحث حول صحة تعليقه و عدمها ليس نفس الإنشاء، و انما هو المنشأ كالتعليق. و من الواضح أن المنشأ مدلول اسمي، فالتعليق مدلول للمادة في قول المنشي: «ملكيت»، و هي من الأسماء الموضوعة للمفاهيم.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. شیخ می‌نویسد: اینکه تعليق در عقد جایز نیست به سبب آن است که اجماع داريم بر بطلان.
۲. پس معلوم می‌شود اگر اجماعی نبود، شیخ قبول داشته است که قواعد عربی، تعليق را در اصل عقد جاری می‌کند.
۳. در حالیکه تعليق اصل عقد، ناشی از تعليق هیأت است که شیخ قبول ندارد.
۴. اما این نقض به شیخ وارد نیست چراکه: تعليق در عقد که شیخ مطرح کرده است به معنای تعليق در هیأت نیست بلکه به معنای تعليق در ماده (منشأ) است (یعنی در عبارت ملکیت، نمی‌خواهند بگویند هیأت امر معلق شده است، بلکه می‌گویند «مالکیت» معلق نشده است).

ما می‌گوئیم:

تعليق در ماده مالکیت معنی محصلی ندارد، چراکه اگر بگوئیم «مالکیت مشروط به خیاطت» انشاء شده است (در جمله کتاب را به تو تمليک کردم به شرط اینکه برای من خیاطت کنی) معنی آن چه می‌تواند باشد؟ توجه شود که

۱. منتقى الأصول، ج ۲، ص ۱۳۶.



در «رجوع شرط به ماده در صیغه امر» رجوع شرط به ماده به معنی آن است که مکلف واجب است ماده و شرط را با هم ایجاد کند.

پس یا باید به عدم التزام مرحوم شیخ در بحث مکاسب قائل شویم و یا بگوئیم تأکید ایشان بر اجماع به سبب آن بوده است که می‌خواسته‌اند بحث را روی مبنای همه فقها مطرح کنند. یا اینکه شرط ناظر به اوفوا بالعقود است بالاجماع.

